



یادداشت‌راهنما
برای نشریه
«آزادی‌بخش»

اثر ویلیام لوید گریسون
براساس ویرایش دایان راویچ



یادداشت‌راهنما برای نشریه «آزادی‌بخش»

اثر ویلیام لوید گریسون
براساس ویرایش دایان راویچ



توانا
TAVAANA

آموزشکده الکترونیکی
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

for civic education

THE AMERICAN READER.
Copyright © 1990, 2000 by Diane Ravitch. All rights reserved.
Printed in the United States of America.

No part of this book may be used or reproduced in any manner
whatsoever without written permission except in the case of brief
quotations embodied in critical articles and reviews.
For information address HarperCollins Publishers Inc.,
10 East 53rd Street, New York, NY 10022.

Persian translation of the THE AMERICAN READER published by
arrangement with HarperCollins Publishers.



آموزشکده الکترونیکی
توانا
TAVAANA
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education

<http://www.eciviced.org>

یادداشت راهنما برای نشریه «آزادی بخش» (The Liberator)

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

نویسنده: ویلیام لوید گریسون (William Lloyd Garrison)

ترجمه از نسخه ویرایش شده دایان راویچ (Diane Ravitch)

نقاشی روی جلد: La Vie اثر پابلو پیکاسو

ترجمه: آموزشکده توانا (آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

© E-Collaborative for Civic Education 2014

e-collaborative for civic education

ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند. ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان، اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از یک جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آنها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که میشمار صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکثیر گرای و جوامعی شایسته سالار که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند، است. ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وبلاگ نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارائه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموزی، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گرد آوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای محذوف است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان توسط جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بر ساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد. سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

اکبر عطری

M. Memaradehgi

Akbar Attari

فهرست

۹

مقدمه دایان راویچ

۱۱

یادداشت راهنما برای نشریه «آزادی بخش»

مقدمه دایان راویچ

«نمی‌خواهم با اعتدال فکر کنم یا حرف بزنم
یا بنویسم... جدی هستم... مبهم نخواهم بود...
توجه‌ای نخواهم تراشید... یک اینچ هم عقب
نمی‌نشینم... و صدایم شنیده خواهد شد.»

ویلیام لوید گریسون^۱ در ماساچوست به دنیا آمد، روزنامه‌نگار و اصلاح‌گری حرفه‌ای شد، و در کنار مخالفت با بردگی، پشتیبان حقوق زنان، صلح‌خواهی و میانه‌روی هم بود. در سال ۱۸۲۹، به دوست «کوآکر»^۲ خود ملحق شد تا عهده‌دار سردبیری روزنامه‌ای مخالف برده‌داری به نام «ابتکار رهایی جهانی»^۳ در بالتیمور شوند. در سال ۱۸۳۰، هفت هفته را به اتهام افترا در زندان گذراند، چون در سرمقاله‌اش تاجر اهل «نیوبری پورت» را به خاطر تجارت برده

1. William Lloyd Garrison (1805 – 1979)

۲. کوآکر فرقه‌ای از مسیحیت به نام جامعه مذهبی دوستان است

3. *The Genius of Universal Emancipation*

محکوم کرده بود. یک سال بعد، به بوستون مهاجرت کرد و نشریه «آزادی‌بخش» را تاسیس کرد و جنبش لغو برده‌داری را پیش برد. گریسون، برده‌داری را آلوده به گناه می‌خواند، آن را محکوم می‌کرد و خواستار الغای فوری آن بود. در سال ۱۸۳۲، انجمن ضد برده‌داری نیوانگلند را تاسیس کرد و یک سال بعد، انجمن ضد برده‌داری آمریکایی را بنیان نهاد. گریسون در بحث خارق‌العاده و در محکوم کردن اهریمن، رک و راست بود. معاصران گریسون او را افراطی و متعصب خواندند، اما آن‌ها به زندگی همیشگی همراه با بردگی خو گرفته بودند. اما گریسون این چنین نبود؛ نثر انتقادآمیز و کوبنده او خشمی اخلاقی را برانگیخت و آمریکایی‌های بیشتری را متوجه این موضوع کرد که برده‌داری نه امری طبیعی است، نه حق کسی است و نه موضوعی قابل دفاع است.

یادداشت راهنما برای نشریه «آزادی‌بخش»

این یادداشت راهنما^۱ در اولین شماره نشریه «آزادی‌بخش» در سال ۱۸۳۱ منتشر شد.

...در سفر اخیرم به هدف تهییج ذهن مردم توسط مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها درخصوص برده‌داری، هر مکانی که از آن دیدار کردم، شواهدی تازه از این حقیقت به دستم داد که به انقلابی گسترده‌تر در نظر عموم در ایالت‌های آزاد، و مشخص‌تر از همه در نیوانگلند، نسبت به ایالت‌های جنوب نیاز است. [در ایالت‌های شمالی] تحقیرها تلخ‌تر، مخالفت‌ها فعالانه‌تر، افتراها بی‌رحم‌تر، تعصب‌ها سرسختانه‌تر و بی‌تفاوتی‌ها منجمدتر از آن‌چه بود که در میان خود برده‌داران دیده می‌شد. البته، استثناهایی بر خلاف این موارد هم وجود داشت. این وضعیت امور ناراحت‌کننده بود، اما باعث دلسردی‌ام نشد. با وجود تمامی خطرهای مصمم هستم تا استاندارد آزادی‌سازی را در نظر این ملت، آن هم درست در محدوده بانکر هیل و در زادگاه آزادی، بالا ببرم. همین استاندارد اکنون بادیان برافراشته است؛ و مدت‌ها حرکت می‌کند، یغماگری‌های زمان و موشک‌های دشمن هم اثری بر آن نخواهند گذاشت، تا زمانی که هر زنجیری باز شده باشد و هر برده‌ای آزاد شده باشد! بگذارید ظالم‌ها در جنوب

1. The prospectus

بلرزند. بگذارید همدستان پنهان آنان بلرزند. بگذارید مدافعان شمالی آنان بلرزند. بگذارید تمام دشمنان سیاه‌پوستان آزار دیده، همگی بلرزند.

فکر می‌کنم انتشار یادداشت راهنمای اولیه من الزامی نیست، چون تاکنون تیراژ زیادی داشته است. اصول منعقد در آن را با ثابت قدمی در این مجله دنبال خواهم کرد، به استثنا این که من جامه طرفداری سیاسی از هیچ کسی را بر تن نخواهم کرد. در دفاع از جنبش والای حقوق بشر، می‌خواهم کمک تمامی مذاهب و تمامی احزاب سیاسی را به دست بیاورم.

با پذیرش «حقیقت مسلم» عنوان شده در «بیانیه استقلال آمریکا» که می‌گوید «همه انسان‌ها برابر خلق شده‌اند و خالق‌شان به آن‌ها حقوقی سلب‌ناشدنی مشخصی اعطا کرده است - از جمله حق زندگی، آزادی و طلب خوشبختی»، من قاطعانه برای آزادی فوری جمعیت برده‌ها مبارزه می‌کنم. در چهارم جولای ۱۸۲۹، در کلیسای پارک - استریت در خطابه‌ای در مورد برده‌داری، بدون اندیشه‌ای کافی به دکتربین محبوب اما خطرناک لغو تدریجی برده‌داری تن دادم. از این فرصت سود می‌برم و کامل و بی‌هیچ ابهامی از آن تبری می‌جویم و همین‌جا در نظر عموم از خداوند گرام، کشورم و بردارانم و برده‌های فرومانده عذر می‌خواهم که آن احساسات لبریز از بزدلی، بی‌عدالتی و پوچی را بیان کردم. باید از نوشته‌ام نیز تبری بجویم که در «ابتکار رهایی جهانی» در سپتامبر ۱۸۲۹ در «بالتیمور» منتشر شد. وجدانم حالا آسوده است. می‌دانم بسیاری مخالف زبان تند و تیزم هستند؛ اما مگر دلیلی برای این تند و تیزی زبان نیست؟ می‌خواهم به تندی حقیقت تند باشم و همانند عدالت، دست به سازشی نزنم. در این موضوع، نمی‌خواهم با اعتدال فکر کنم یا حرف بزنم یا بنویسم. نه! نه! به مردی بگویند خانه‌اش آتش گرفته است و بگویند هشدار می‌دهد به بقیه بدهد؛ به مردی بگویند با اعتدال همسرش را از دستان متجاوز نجات بدهد؛ به مادری بگویند به تدریج نوزادش را از آتشی که در آن افتاده است، نجات بدهد - اما از من به اصرار نخواهید که از اعتدال در وضعیت حال استفاده کنم. جدی هستم، مبهم نخواهم بود، توجیه‌ای نخواهم تراشید، یک اینچ هم عقب نخواهم کشید، و صدایم شنیده خواهد شد. بی‌تفاوتی این مردمان کافی است تا هر مجسمه‌ای را از پایه‌اش جدا کند و رستاخیز مردگان را تسریع دهد.

ادعا شده است که من لغو برده‌داری را با دشنام‌دادن و سنجش‌های عجولانه به تأخیر می‌اندازم. این اتهام‌ها حقیقت ندارند. تأثیر گذاری‌ام، هرچند کم، تا حد قابل توجه‌ای دیده شده است و در سال‌های آینده نیز دیده خواهد شد، نه در شکلی مشکل‌ساز، بلکه سودمند، نه در قالب یک لعنت بلکه در شکل یک موهبت، و

آیندگان گواهی خواهند داد که من حقیقت را گفته‌ام. می‌خواهم خدا را شکر کنم که من را قادر ساخت تا «ترس از انسان که دام می‌گستراند» را نادیده بگیرم و حقیقت‌اش را به زبانی ساده و قدرتمند بیان کنم...

